

# در بحران سوریه منافع و مصالح ملی و استراتژیک ایران در کجا قرار دارند؟

محمد سهیمی

## مقدمه

بحران سوریه و جنگ داخلی آن تمامی خاور میانه را تحت تأثیر خود قرار داده، و نتیجه نهایی آن هر چه که باشد نتایج عمیقی برای جهان و روابط بین‌المللی بدنبال خواهد داشت. اتهامات جدید به دولت سوریه در مورد استفاده از سلاح‌های شیمیایی بر علیه شهروندان خود، با وجود عدم اثبات آن و احتمال استفاده آن توسط شورشیان، جو بین‌المللی شنیدنی بر علیه سوریه به رهبری آمریکا بوجود آورده است. البته این همان آمریکا است که در دو جنگ خود بر علیه عراق، چه در ۱۹۹۱ و چه در طول اشغال عراق از ۲۰۰۳ به بعد از نوعی اورانیوم استفاده کرد که بسیار سمی است و باعث انواع سرطان‌ها میشود. آمریکا در جنگ ویتنام از سلاح شیمیایی "عامل پر تغالی" استفاده وسیع کرد. اسرائیل در حملات خود به جنوب لبنان، و نوار غزه، از بمب‌های فسفوری، و در حمله به نوار غزه از موشک بخصوصی استفاده کرد که نوعی از سلاح شیمیایی محسوب میشوند که موجب اعتراض وسیع شد. آلمان و آمریکا به عراق کمک کردند که سلاح شیمیایی تولید کند و در جنگ با ایران و همچنین بر علیه شهروندان کرد خود استفاده کند و این همان آمریکا است که اسناد جدید منتشر شده نشان میدهد که در همان زمانی که عراق مشغول استفاده از سلاح شیمیایی بر علیه ایران و شهروندان کرد خود بود، نه تنها اعتراضی به آن جنایت‌ها نکرد، بلکه به کمک‌های خود به رژیم صدام حسین همچنان ادامه داد.

بدلیل حمایت همه جانبه از دولت بشار الأسد، و همچنین وارد شدن حزب‌الله لبنان در این جنگ که مورد حمایت ایران می‌باشد، جمهوری اسلامی نقش مهمی در این بحران و تعیین سرنوشت نهایی آن بازی می‌کند. اگر از زاویه بسیار تنگ "ما در مقابل جمهوری اسلامی" به این تحولات نگاه کنیم، واضح است که بلافاصله نقش جمهوری اسلامی در سوریه را محکوم کرده، و همصدا با غرب و متحدان و نوکران آن در منطقه خواهان پایان دادن به این نقش خواهیم بود. در عین حال پر واضح است که تمامی نیروهای مترقی و دمکرات واقعی، دخالت کشورهای دیگر در امور داخلی هر کشوری را محکوم میکنند.

ولی آیا جنگ در سوریه فقط یک امر داخلی است؟ آیا جمهوری اسلامی تنها کشوری است که در سوریه دخالت کرده است؟ آیا عربستان سعودی، قطر، و ترکیه مهمترین نقش را در بر افروختن هر بیشتر جنگ سوریه به عهده نداشته‌اند؟ آیا اسرائیل خواهان ادامه جنگ در سوریه نیست؟ آیا اگر آمریکا در این سوی جهان برای خود منافع ملی و حیاتی در خاور میانه می‌بیند و به مداخله می‌پردازد، چطور کشورهای منطقه حق چنین کاری را ندارند؟ آیا اصولاً سرنوشت سوریه کاملاً و مستقل از سرنوشت بقیه کشورهای خاور میانه است؟

## مصالح و منافع ملی ایران

هر کشوری - کوچک یا بزرگ، ثروتمند یا فقیر - دارای منافع و مصالحی است که بر طبق تعریف

مستقل از نوع نظام سیاسی حاکم بر آن کشور میباشند. در مورد ایران، بعنوان مثال، امنیت خلیج فارس، تولید بهینه منابع طبیعی بخصوص نفت و گاز، و وجود نظام‌های سیاسی در کشورهای همسایه ایران که برای کشور ما مساله ساز نباشند و چشم‌داشتی به تمامیت عرضی ایران نداشته باشند هم به مصلحت کشور هستند، و هم از منافع ملی ایران، چه جمهوری اسلامی در ایران حکومت کند، چه رژیم شاهنشاهی، چه یک جمهوری دموکراتیک خلق. در عین حال، با توجه به اوضاع بین‌المللی، هیچ کشوری، از جمله ایران، نمی‌تواند خود را از بقیه جهان، و دستکم از منطقه خود، جدا کرده و به تحولات منطقه بصورت یک موضوع ایزوله نگاه کند. بنا بر این وقتی که به بحران سوریه نگاه می‌کنیم و نتایج احتمالی آنرا برای کشور خود در نظر می‌گیریم، باید آنها را نه از زاویه بسیار تنگ "ما در مقابل جمهوری اسلامی"، بلکه در رابطه با منافع و مصالح ملی ایران، و سرنوشت آینده آن در منطقه بحران زده خاور میانه در نظر بگیریم

برای روشنتر شدن مساله یک وضعیت فرضی را در نظر بگیریم: فرض کنیم که در ایران یک نظام کاملاً دموکراتیک و مردمی وجود دارد که دارای یک سیاست خارجی مستقل از قدرت‌های جهانی است و فقط در پی مصالح و منافع ملی ایران است، ولی بقیه خاور میانه مانند شرایط کنونی است. آنوقت از خود بپرسیم: آیا گذار مسالمت آمیز به دموکراسی در سوریه همسو با منافع و مصالح ملی کشور ماست، یا نظامی که به زور اسلحه، آنهم اسلحه‌ای که در دست گروه‌های تروریستی است که توسط مرتجع‌ترین کشورهای خاور میانه مثل عربستان و قطر در اختیار آنها قرار گرفته؟

مساله را ساده‌تر کنیم: آیا برگزاری انتخابات آزاد در سوریه به سرپرستی سازمان‌های بین‌المللی با اعتبار به نفع مصالح ملی ایران است، یا روی کار آمدن یک حکومت ارتجاعی تابع عربستان که بزور اسلحه و پول عربستان، قطر، و آمریکا بر سر کار بیاید؟ [افشای ملاقات اخیر پرنس بندر عربستان با آقای ولادیمیر](#)

[پوتین](#) رئیس جمهور روسیه و قول‌ها و تهدیدهای آقای بندر به خوبی نقش مخرب و جنایتکارانه

عربستان، این متعهد پا بر جای آمریکا، که خود دارای یک نظام فاشیستی مذهبی است، را افشا کرد

ممکن است گفته شود که انتخاب مردم سوریه فقط منحصر به حکومت آقای اسد و گروه‌های تروریستی مورد حمایت عربستان، قطر، و غرب نیست، بلکه یک اپوزیسیون دمکرات هم وجود دارد. متأسفانه این نظر در حال حاضر درست نیست. چنین اپوزیسیونی در حال حاضر در سوریه وجود ندارد. زمانی که تحولات سوریه در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، چنین اپوزیسیونی در سوریه وجود داشت، که متأسفانه به دلیل سرکوب خونین آن بخشی از آن به سرعت دست به اسلحه برد، و بقیه آن که خواهان گذار مسالمت آمیز به دموکراسی بود [کنار زده شد](#) و دیگر عملاً وجود خارجی ندارد. بخش مسلح در آغاز بعنوان "ارتش

آزاد سوریه" با دولت آقای اسد مشغول جنگ شد، که شامل عناصر ناراضی ارتش سوریه هم بود. ولی این جنگ داخلی به سرعت بین‌المللی شد، و با مداخله کشورهای سنی، مثل عربستان، قطر، اردن، و ترکیه، و با حمایت غرب، بخصوص آمریکا، فرانسه، و انگلیس، تبدیل به جنگی شد که بر طبق

گزارش‌های حتی روزنامه‌هایی [مثل نیویورک تایمز](#) دیگر در آن عناصر ملی و ناراضی ارتش سوریه هیچ نقش مهمی ندارند، و تقریباً تمامی جنگ توسط نیروهای تندرو سنی، مثل القاعده و جبهه نصرت

انجام میشود

در عین حال این نیروها ماهیت واقعی خود را در ماه‌های گذشته آشکار کرده‌اند، از [سر بریدن کشیش](#)

[مسیحی](#) گرفته، تا [خوردن یک عضو بدن](#) یک سرباز کشته شده ارتش سوریه. این نیروها بارها تأکید

کرده‌اند که پس از بقدرت رسیدن تمامی [شیعیان و علوی‌ها را قتل عام خواهند کرد](#)، و مسیحی‌های سوریه

باید به لبنان مهاجرت کنند. دقیقا به همین دلیل است که نظر خواهی‌های جدید که توسط سازمان‌های غربی انجام شده [نشان میدهد](#) که حدود هفتاد درصد مردم سوریه از دولت آقای اسد در شرایط کنونی حمایت میکنند، در حالیکه این حمایت در آغاز جنگ چیزی بین ۳۵ تا ۴۰ درصد بود.

مهمترین جنایتی که کشورهای حامی یاغیان و تروریست‌های سوریه هم در مورد مردم سوریه و هم در مورد بقیه آن ناحیه کرده‌اند اینست که ماهیت جنگ را عوض کردند، و آنرا بصورت جنگ سنی بر علیه شیعه درآوردند. بعضی از آمریکا-شیفتگان وطنی - که اکثرا از چپ‌های تندو تیز سابق هم هستند که بکمتر از لنین وطنی بودن خود به هیچ عنوان رضایت نمی‌دادند ولی حالا علمدار تبلیغات بدون پایه برای آمریکا هستند و به هر کسی که منتقد سیاست‌های آمریکا است با عنوان آمریکا ستیز حمله میکنند -- ادعا میکنند که این جمهوری اسلامی است که بحران را به جنگ شیعه و سنی تبدیل کرده است.

## هلال شیعه

صرف نظر از اینکه تخاصم بین شیعه و سنی سابقه بیشتر از ۱۰۰۰ سال دارد، در همین قریب به یک دهه اخیر آمریکا و متحدان آن در منطقه مهمترین عامل شدت بخشی به این تخاصم، و خونین کردن آن هستند. اول، هجوم غیر قانونی و بنظر بسیاری [جنایتکارانه](#) آمریکا به عراق باعث شد که گروه‌های شیعه که متحد جمهوری اسلامی هستند بقدرت برسند. دوم، با بقدرت رسیدن گروه‌های شیعه در عراق، و با وجود دولت علوی‌ها در دمشق، و گروه حزب‌الله در لبنان که مهمترین و با قدرت‌ترین گروه سیاسی و نظامی در آن کشور است، حکومت‌های شیعه مذهب کنترل بخش مهمی از خاور میانه، از مشهد تا بیروت را بدست گرفتند. سوم، اینقدرت باعث ترس کشورهای سنی مذهب منطقه به رهبری عربستان شد. ملک عبدالله دوم پادشاه اردن از ظهور آنچه که او آنرا ["هلال شیعه"](#) نامید ابراز نگرانی کرد، و بعد از آن عربستان و متحدان آن در منطقه، بهمراه آمریکا، اسرائیل، و متحدان دیگر غربی آنها آن تصمیم به ایستادگی در برابر این "حلال" و شکستن آن گرفتند. اخیرا حتی یکی از تحلیلگران غربی [گزارش داد](#) که رهبران عربستان از این وحشت دارند که "هلال" به "قرص کامل ماه" تبدیل خواهد شد، اگر دولت سوریه در جنگ پیروز شود، که لاجرم یک پیروزی مهم برای جمهوری اسلامی خواهد بود که برای [غرب، عربستان و متحدان ارتجاعی آن](#) در ناحیه خلیج فارس قابل قبول نیست. به همین دلیل [بسیاری از تحلیلگران معتقد هستند](#) که بهترین گزینه برای آمریکا ادامه جنگ در سوریه است، بدون توجه به خون ریزی عظیمی که برپا شده و ادامه خواهد داشت. حتی روزنامه نیویورک تایمز که معمولا خط دولت آمریکا را دنبال می‌کند [گزارش داد که هدف اصلی](#) حمله به سوریه ضعیف کردن دولت آن است بطوری که نتواند بر شورشیان غلبه کند، که در نتیجه جنگ ادامه خواهد یابد.

## اسناد ویکی لیکس، دشمنی عربستان با ایران، و "خاور میانه جدید"

### آمریکا

اسناد منتشر شده توسط وبسایت ویکیلیکس بخوبی وحشت رهبران عربستان از ایران شیعه و به قدرت رسیدن شیعیان در منطقه را نشان میدهد. بر طبق این اسناد دیپلمات‌های آمریکا گزارش دادند که پادشاه عربستان خواهان حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران است تا بدین ترتیب آنچه که [او سر افعی ایران نامیده](#) [قطع شود](#). تمامی این تبادلات مخفی دیپلماتیک متعلق به چند سال قبل از آغاز بحران سوریه است، و به همین دلیل با آغاز بحران عربستان و متحدان آن تصمیم گرفتند که جنگ را بین‌المللی کرده تا بدین

ترتیب به زعم خود به قدرت شیعیان ضربه وارد کنند. نتیجه این سیاست تبدیل جنگ به تخاصم خونین بین شیعه و سنی است، در حالیکه بحران سوریه در آغاز مبارزه بین نیروهای دمکراتیک و دیکتاتوری اسکولار اسد بود و ربطی به جنگ شیعه و سنی نداشت.

اولین اثر این تصمیم در جنگ سال ۲۰۰۶ بین حزب الله و اسرائیل آشکار شد. یک عملیات کوچک حزب الله، که مثل آن بارها اتفاق افتاده بود، بهانه‌ای بدست اسرائیل داد که به جنوب لبنان هجوم ببرد، و آمریکا برای چند هفته مانع از تصویب یک قطعنامه توسط شورای امنیت سازمان ملل شد که از طرفین می‌خواست آتش بس برقرار کنند. خانم کاندلیزا رایس وزیر خارجه آن زمان آمریکا وعده یک **"خاور میانه جدید"** را میداد، که در آن با در هم شکستن حزب الله و در نتیجه تضعیف دولت سوریه، مقدمات حمله به ایران فراهم میشد. آمریکا فقط زمانی بصورت قطعنامه رضایت داد که کاملاً آشکار شده بود که اسرائیل قادر به شکست حزب الله نیست.

مرحله بعدی دخالت عربستان و متحدان آن در بحرین و یمن بود. زمانی که اکثریت ۷۰ درصدی شیعه بحرین تظاهرات مسالمت آمیز خود برای یک حکومتی که در آن دستکم بخشی از حقوق آنها توسط حاکمیت اقلیت سنی آن محترم شمرده شود آغاز کرد، حکومت عربستان و متحد مرتجع آن، یعنی امارات متحده عربی، **"نیروی نظامی خود را به بحرین فرستادند"**، بدون آنکه کوچکترین اعتراض با عواقب ملموسی از طرف آمریکا و متحدان آن بعمل آید. در واقع سکوت آمریکا **بخاطر معامله آن با عربستان**

بود

آمریکا و پیمان ناتو قصد دخالت در لیبی را داشتند، ولی احتیاج به یک پوشش سیاسی از طرف جهان عرب داشتند که دوباره متهم به یک کشور دیگر عربی نشوند. با رهبری عربستان جلسه فوق العاده اتحادیه عرب برگزار شد که در آن از ۲۲ عضو فقط ۱۱ کشور حضور داشتند. عربستان و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج (فارس) دارای ۷ رأی بودند، و در نتیجه حمایت از حمله به لیبی ظاهر ا توسط اتحادیه عرب "تصویب شد." **"نیروی هوایی قطر"** هم در بمباران لیبی شرکت کرد

بدین ترتیب دست عربستان و متحدان آن برای هر آنچه که میخواستند در بحرین و یمن انجام دهند باز شد، بدون آنکه کوچکترین مخالفتی از طرف آمریکا وجود داشته باشد. خاطر نشان میشود که ۳۵ - ۴۰ درصد **مردم یمن شیعه زیدی هستند** که با مذهب و هابی که توسط عربستان و دولت مرکزی یمن حمایت میشود بشدت مخالف هستند. دولت مرکزی یمن نسبت به زیدیها تبعیضات بسیار زیادی قائل است، که همین باعث جنگ داخلی در آنجا شده است. در تمامی این مدت آمریکا شیفنگان وطنی که طرفدار سرسخت به اصطلاح دخالت بشر دوستانه هستند، سکوت کردند. تو گویی مردم بحرین و یمن شایستگی کمک و یا دموکراسی را ندارند

با چنین زمینه‌ای بود که عربستان، قطر، اردن، ترکیه، و متحدان غربی آنها به سوریه هجوم بردند، و آنرا تبدیل به یک جنگ فرقه‌ای سنی بر علیه شیعه کردند. **ادعای اخیر وزیر خارجه عربستان** در صحبت‌های خود با آقای جان کری وزیر خارجه آمریکا که "عربستان در برابر مداخله ایران در سوریه نمی‌تواند سکوت کند" بسیار پی‌اساس و مضحک است. این عربستان و متحدان آن بودند که دخالت در سوریه را آغاز کردند. اصولاً اگر دخالت این کشورها در سوریه نبود، این جنگ مدت‌ها پیش پایان یافته بود. وزیر خارجه عربستان به این دلیل ادعای مضحک خود را مطرح می‌کند که با دخالت حزب الله، مشاوران سپاه پاسداران و احتمالاً شرکت نیروی قدس در جنگ سوریه، جهت جنگ در این کشور عوض شده، و نیروهای دولتی مشغول باز پس گرفتن سرزمین‌هایی هستند که توسط تروریست‌های

مورد حمایت عربستان، قطر، اردن، ترکیه و متحدان غربی آنها، یعنی آمریکا، فرانسه، و انگلیس، اشغال شده است. ناگهان عربستان به یاد آورد که باید در مورد دخالت جمهوری اسلامی در سوریه در انظار عمومی ابراز نگرانی کند. ناگهان [آمریکا](#) و [فرانسه](#) "کشف" کردند که ممکن است سلاح شیمیایی توسط دولت سوریه بکار گرفته شده باشد

## استفاده از سلاح‌های شیمیایی

یک از نکات مهم در مورد همین استفاده سلاح شیمیایی در سوریه است، و اینکه اگر این اتفاق افتاده، چه گروهی مرتکب این جنایت شده. مقامات دولت آقای اوباما ادعا میکنند که دولت سوریه مرتکب این جنایت شده. صرف نظر از اینکه دولت آمریکا در مورد استفاده وسیع عراق از چنین سلاح‌هایی در جنگ خود با ایران و همچنین بر علیه شهروندان کرد خود سکوت کرد، ولی حالا فریاد برآورده، باید در مورد چنین ادعایی دستکم با احتیاط برخورد کرد. آقای بان کی-مون، دبیر کل سازمان ملل، [بسیار محتاطانه با این موضوع برخورد کرد](#)، و این همان شخصیتی است که معمولاً مواضع بسیار نزدیک به غرب دارد. خانم کارلا لاپونته، قاضی سابق دادگاه بین‌المللی جنایی و نماینده آقای بان در یک کمیسیون سازمان ملل در مورد سوریه، [اعلام کرد](#) که اگر از سلاح شیمیایی در سوریه استفاده شده، احتمالاً توسط یاغی‌ها و تروریست‌ها بوده. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه هم [حتی اعلام کرد](#) که کشورش میتواند ثابت کند که سلاح‌های شیمیایی توسط تروریست استفاده شده

بسیاری دیگر از [تحلیلگران](#) و روزنامه‌نگاران معتبر هم در مورد صحت ادعای آمریکا ابراز شک کرده‌اند، و بنا بر این این موضوع، بر خلاف آنچه که آمریکا-شیفتگان وطنی ابراز میکنند، یک موضوع قطعی نیست

## تصویر غلط از جنگ

در عین حال، دستگاه تبلیغاتی غرب [تصویر بشدت مغشوش و نادرستی](#) از جنگ سوریه به مردم دنیا ارائه میدهد. بعنوان مثال همیشه تعداد کل کشته شدگان در جنگ ذکر میشود، بدون آنکه گفته شود چند نفر از آنها توسط نیروهای دولتی و چند نفر توسط یاغی‌ها و تروریست‌ها کشته شده‌اند. یک [آمار اخیر نشان میدهد](#) که دستکم ۴۳ درصد کشته شدگان از طرفداران دولت سوریه هستند. این بدین معنی است که نیروهای یاغی و تروریست دستکم حدود ۴۳،۰۰۰ از مردم را کشته‌اند، به این دلیل که با آنها، یعنی نیروهای مورد حمایت دولت‌های خارجی، صرف نظر از ماهیت تروریست اکثریت قریب به اتفاق آنها، مخالف هستند

## تروریست "خوب" و تروریست بد

در واقع حالا دیگر ما [پدیده تروریست خوب و تروریست بد](#) هم داریم. تروریست‌های خوب مورد حمایت عربستان، قطر، ترکیه، اردن، و متحدان غربی آنها هستند، که بعنوان آزادیخواه و دمکرات معرفی میشوند، در حالیکه نه این نیروها دمکرات هستند، و نه عربستان عاشق دموکراسی. این کشور توسط یکی از مرتجع‌ترین دیکتاتورهای مذهبی اداره میشود، و به جرات میتوان گفت که خاندان سعود با هفت هزار شاهزاده از مرتجع‌ترین نیروهای مذهبی در ایران هم بدتر هستند. حکومت قطر هم یک نظام دیکتاتوری است. آمریکا و متحدان غربی آنها هم هیچ علاقه‌ای به تشکیل حکومت‌های دموکراتیک در

خاور میانه ندارند. آنها بدنبال حفظ منافع و احیانا توسعه آنها، و در عین حال حفظ هژمونی خود در منطقه هستند، و به همین دلیل بطور کامل از عربستان و متحدان آن در ناحیه خلیج فارس دفاع میکنند. اصولاً ماهیت جنگ در سوریه، از زمانی که عربستان و متحدان آن تصمیم به دخالت در آن گرفتند، دیگر جنگ بین نیروهای آزادیخواه و دیکتاتوری نیست، بلکه جنگی است بر سر تغییر جغرافیای خاور

میانه

## تقسیم خاور میانه به کشورهای کوچک و تاثیر آن بر روی ایران

نکته مهم دیگر سرنوشت نهایی سوریه و تأثیر آن بر روی ایران و کل منطقه است. اگر نیروهای یاغی و تروریست در سوریه پیروز شوند، این کشور دستکم به سه ناحیه تقسیم خواهد شد. یک ناحیه در شمال نزدیک به سواحل سوریه در دریای مدیترانه و لبنان که در کنترل علوی‌ها خواهد بود اگر توسط تروریست‌ها قتل عام نشوند

ناحیه دیگر در نزدیکی مرز ترکیه خواهد بود که توسط کردهای سوریه کنترل خواهد شد. بقیه سوریه بدست نیروهای یاغی و تروریست خواهد افتاد، که به احتمال قریب به یقین مرکز جدیدی برای فرماندهای نیروهای تندرو و تروریست در خاور میانه خواهد بود

توجه داشته باشیم که عراق نیز عملاً به سه ناحیه تقسیم شده است: کردها در شمال، سنی‌ها در غرب بخصوص در ایالت انبار، و شیعه‌ها در مرکز و جنوب عراق

شرایط لیبی چیست؟ مگر غیر از این است که کشور عملاً به دو بخش تقسیم شده، قسمت شرق آن که بیشتر منابع نفتی لیبی در آن قرار دارد در دست نیروهای تندرو می‌باشد که به کمک پیمان ناتو بر سر کار آمدند، قسمت غرب آن کاملاً در آشوب است، دولت مرکزی فقط بر روی کاغذ وجود دارد و عملاً صاحب قدرت نیست، و اسلحه از لیبی هم به شورشیان سوریه و هم به شورشیان مالی و کشورهای نزدیک آن می‌رود؟ زمانیکه دروغ‌های غرب در مورد عراق آشکار شد، هجوم به عراق هم توسط خیلی‌ها، از جمله تونی بلر، کاندلیزا رایس، و غیره بعنوان نوعی "دخالت بشر دوستانه" توجیه میشد. وضع عراق چگونه است؟

و البته، آمریکا-شیفتگان وطنی که از به اصطلاح "دخالت بشر دوستانه" در لیبی حمایت میکردند، نامه به پرزیدنت اوباما نوشتند و در آن بعنوان "شخصیت‌های آکادمیک" آمریکا از آقای اوباما تقدیر کردند، حالا در سکوت کامل بسر میبرند. بقول معروف از دیوار صدا در میاد، از این جماعت نه، چرا که اوضاع در لیبی بدتر از آنستکه بشود آنرا "رفع و رجوع" کرد، و بنا بر این سکوت میکنند تا به اصل خدشه ناپذیر به اصطلاح دخالت بشر دوستانه این جماعت ایرادی گرفته نشود

تقسیم خاور میانه به کشورهای کوچک و ضعیف که نه تنها برای هژمونی غرب و اسرائیل در آن ناحیه خطری نباشند، بلکه منابع آنها را بشود بر احتی کنترل کرد از برنامه‌های قدیمی متفکران راست و ارتجاعی در غرب، بخصوص در آمریکا است. از نظر چنین شخصیت‌هایی قرار داد قدیمی سایکس -

بیکت در ۱۹۱۶ - ۱۹۱۵ که باقی مانده امپراتوری عثمانی را به کشورهای کنونی تقسیم کرد، دیگر

موثر نیست، و باید یک تقسیم بندی جدید انجام شود، چرا که کشف منابع عظیم انرژی در این ناحیه و کنترل آنها با جغرافیای خلق شده توسط سایکس - بیکت امکان ندارد. به همین دلیل، به عنوان مثال، با وجودی که کشورهای غربی در گفتار از تمامیت عرضی عراق حمایت میکنند، در عمل شرکت‌های

خارجی با دولت خود مختار کرد در شمال عراق قرار داد امضا میکنند، شرکتهای اروپایی پرواز مستقیم به اربیل میگذارند، اسرائیل در کردستان عراق حضور بسیار چشمگیری دارد، و در این راه هیچ توجهی به دولت مرکزی عراق ندارند. و یا آقای جان مکین، سناتور راست تندرو آمریکا، بداخل سوریه میروند تا بار هبران تروریست‌ها ملاقات کند، و اهمه‌ای از بودن خود در یک فیلم بایک رهبر تروریستی آنجا ندارد، و در عین حال کوچکترین توجهی به عمل غیر قانونی خود در مورد ورود غیر قانونی به یک کشور دیگر ندارد. البته جناح راست در آمریکا همیشه بگونه‌ای عمل کرده که گویی تمام دنیا ملک این جماعت است. بیاد بیاوریم صحبت خانم رایس در عراق را که اعلام کرد که، ما خواهان خروج تمامی نیروهای خارجی از عراق هستیم، و این در حالی بود که خود آمریکا ۱۶۰،۰۰۰ سرباز در عراق داشت، گویی عراق ملک آمریکا بود، و بنا بر این نیروهای آمریکا در عراق خارجی بحساب نمی‌آمدند. خانم رایس تصور میکرد که نیروهای آمریکا تا مدت‌های خیلی طولانی در عراق باقی بمانند.

## تاریخچه دخالت ایران در خاور میانه

یک نکته دیگر حائز اهمیت در مورد شرکت جمهوری اسلامی در جنگ سوریه قابل توجه است، و آن اینست که این نظام اولین دولت ایران نیست که در خاور میانه دخالت می‌کند. دولت محمد رضا شاه پهلوی در جنگ ظفار در عمان در دهه ۱۹۷۰ شرکت کرد؛ در جنگ یمن در دهه ۱۹۶۰ که دولت چپ‌گرای یمن جنوبی آن زمان توسط دولت جمال عبدالناصر در مصر حمایت میشد جانب یمن شمالی را گرفت؛ به اسرئیل نفقت می‌فروخت، حتی در زمان تحریم نفتی اعراب بعد از جنگ ۱۹۷۳؛ با ملک حسین، پادشاه اردن، و نیروهای امنیتی آن همکاری نزدیک در سرکوب نیروهای فلسطینی داشت، کردهای عراق را مسلح کرد تا با دولت مرکزی بجنگند، و بسیاری از دخالت‌های دیگر، و به علاوه آنها در بسیاری از پیمان‌های غربی منطقه، مثل سنتو عضو مهم و موثر بود.

البته جمهوری اسلامی نیز، مانند دولت شاه، در خاور میانه نقش بسیار فعالی داشته است، از کمک به تأسیس حزب‌الله در لبنان، تا کمک به حماس، گروه‌های شیعه در عراق، و گروه احمد شاه مسعود، اتحاد شمال، در افغانستان که در واقع آنها بودند که دولت طالبان در کابل را در پاییز ۲۰۰۱ سرنگون کردند، نه آمریکا.

هدف از این بازگویی مختصر تاریخ بیان این نکته بديهی است که هر نظام سیاسی، صرف نظر از ماهیت آن، برای خود منافع و مصالحی را تعریف کرده و از آنها دفاع می‌کند. این مصالح و منافع ممکن است با منافع واقعی کشور در انطباق باشند، ولی ممکن است هم نباشند.

## حمله آمریکا به سوریه غیر قانونی خواهد بود

در مورد وقایع اخیر در سوریه و استفاده از سلاح شیمیایی، مطابق معمول آمریکا خود را به عنوان وکیل تمامی جهان، یا بقول ایران سستی‌زان، آمریکا-شیفتگان وطنی از قبیل آقای مجید محمدی که هر کاری را برای آمریکا مباح میدانند، "جامعه بین‌المللی"، معرفی کرده و قصد حمله به سوریه را دارد. این حمله غیر قانونی و قابل تعقیب در دادگاه بین‌المللی جنایی است، اگر چه آمریکا خود عضو دادگاه نیست ولی بقیه را سعی می‌کند به همان دادگاه بکشاند. دولت آمریکا فقط از طرف خود، نه جهان، میتواند به سوریه حمله کند اگر

اول، سوریه به آمریکا حمله کرده باشد، که اینطور نیست، و یا دوم، شورای امنیت سازمان ملل اجازه چنین کاری را به آمریکا بدهد، که نخواهد داد، اگر چه نگارنده شورای امنیت را بیطرف نمی‌داند.

به اصطلاح دخالت بشر دوستانه، حتی اگر آنرا مورد قبول قرار دهیم که نگارنده آنرا دستکم از نوع غربی آن نمی‌پذیرد، در مورد سوریه صدق نمی‌کند، چرا که شورشیان سوریه خود مسول گشته شدن نزدیک به نیمی از کل تلفات جنگ هستند، و خود به شدت در مورد استفاده از سلاح شیمیایی متهم هستند.

قبل از اینکه پارلمان انگلیس به تقاضای دولت آقای دیوید کامرون برای شرکت در حمله به سوریه رأی منفی بدهد، [این دولت ادعا کرد](#) که حمله به سوریه از نوع دخالت بشر دوستانه خواهد بود. این ادعا توسط حقوق دانان بین‌المللی مورد قبول واقع نشد. به عنوان مثل، دکتر شین داری که در مرکز حقوق بشر ایرلند در دانشگاه ایرلند کار میکنند [چنین گفتند](#)، **حمله به سوریه دخالت بشر دوستانه نخواهد بود، بلکه تلافی بخاطر نقض کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی بحساب خواهد آمد، ولی آنهم قانونی نخواهد بود**

گروهی دیگری از جنگ طلبان ادعا دارند که "[حق محافظت](#)" از مردم ضعیف توجیح‌گر حمله به سوریه است، که این نیز بی اساس است، چرا که آن برای مواقع بسیار استثنایی نظیر آنچه که در کامبوج و یا رواندا اتفاق افتاد می‌باشد، که در آنصورت هم شورای امنیت باید دستور آنرا صادر کند در عین حال چرا اینگونه قوانین و ادعاها، حتی اگر قابل قبول باشند، نمیتوانند در مورد آمریکا و متحدان آن اعمال شوند؟ چه کسی میتواند ادعا کند که مردم فلسطین احتیاج به دخالت بشر دوستانه ندارند؟ چه کسی میتواند ادعا کند که آمریکا و متحدان آن بارها و بارها توافق‌های بین‌المللی در مورد حقوق بشر را نقض نکرده اند، از [زندان گوانتانامو](#) گرفته تا [زندان ابوقریب](#) در عراق و [زندان بگرام](#) در افغانستان؟ در مورد [ربودن مظنون‌ها توسط سازمان سیا](#) و فرستادن آنها به زندان هائیکه هیچ کس راجع آنها نمی‌دانست، و یا فرستادن آنها به کشورهای متحد آمریکا که آمریکا بخوبی آگاه بود از شکنجه برای اعتراف گرفتند استفاده میکنند، چطور؟

ایران-ستیزان و آمریکا-شیفتگان وطنی، که همه مسائل را از زاویه بسیار تنگ "ما در برابر جمهوری اسلامی" می‌بینند، ادعا میکنند که اگر کنگره آمریکا اجازه حمله به سوریه را به دولت پرزیدنت اوباما بدهد، کافی است، ولی این ادعای مضحک بر مبنای این تصور کودکانه است که آمریکا ژاندارم جهان است، که نیست.

## دولت آقای روحانی و بحران سوریه

بر روی کار آمدن دولت آقای حسن روحانی، انتصاب دکتر محمد جواد ظریف، دیپلمات برجسته ایران، به عنوان وزیر خارجه، لحن بسیار معتدل هر دو در مورد سوریه، و حتی نشانه‌های جدی در چند ماه گذشته از آیت‌الله علی خامنه‌ای که نشانگر این هستند که ایشان هم مایلند که مناقشه بین ایران و آمریکا از راه‌های دیپلماتیک حل شوند، فرصت بسیار خوبی در اختیار غرب و آمریکا قرار داده است که نه تنها مناقشه هسته‌ای با ایران را فیصله دهند، بلکه در مورد بحران سوریه به توافق برسانند. این بحران بدون شرکت جمهوری اسلامی در فرایند دیپلماتیک قابل حل نیست، چیزی که [روسیه](#) و [چین](#)، و [بسیاری](#)



از کارشناسان بدان اذعان دارند. جمهوری اسلامی و روسیه مهمترین حامیان دولت آقای اسد هستند. آقای

ظریف اعلام کردند که ایران هشت ماه پیش از طریق سفارت سوئیس در تهران به آمریکا هشدار داده بود که شورشیان سوریه سلاح‌های شیمیایی به آنجا منتقل کرده‌اند، ولی پاسخی از آمریکا نرسید. بنا بر این حتی در زمان دولت محمود احمدی‌نژاد جمهوری اسلامی مایل به همکاری با آمریکا در مورد سوریه بود، ولی آمریکا به دلیل سیاست غیر واقع بینانه و امپریالیستی خود در خاور میانه حاضر نیست که واقعیات را قبول کند

واقعیت این است که جنگ سوریه راه حل نظامی ندارد. مهم تر از آن، جنگ در سوریه برای آینده ایران و تمامی منطقه خطر ناک است. این جنگ مدت‌ها پیش به پایان رسیده بود، اگر عربستان، قطر، ترکیه، و در پشت سر آنها آمریکا، فرانسه، و انگلیس به شورشیان و تروریست‌های سوریه کمک مالی و تسلیحاتی نکرده بودند. دولت آقای بشار اسد انتخابات آزاد را پذیرفت، ولی شورشیان سوریه، که بخش مهمی از آنها تروریست‌های چینی، القاعده در عراق و ال-نصرت هستند که توسط عربستان حمایت میشوند، خواهان برکناری اسد و بعد برگزاری انتخابات شدند. در حال حاضر هم که جنایات آنها برای مردم سوریه آشکار شده، اکثریت بزرگ مردم از حمایت از آنها دست برداشته‌اند

## نتیجه گیری

اگر بخواهیم به بحران سوریه و تأثیر آن بروی آینده ایران بطور واقع بینانه و منصفانه، نه از زاویه بسیار تنگ "ما در مقابل جمهوری اسلامی" بیندیشیم، می‌بایست نکات و سوالات زیر را مورد توجه قرار دهیم

آیا پیروزی یاغی‌ها و تروریست‌ها در سوریه بسود منافع و مصالح ملی دراز مدت ایران است؟  
آیا تقسیم سوریه، و به تبع آن بسیاری دیگر از کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا، بسود منافع و مصالح ملی دراز مدت ایران است؟

آیا اگر سوریه بچند کشور کوچک تقسیم شود، که دستکم یکی از آنها توسط تروریست‌های کنونی که در حد جنون آمیز با شیعه‌ها مخالف هستند، و با توجه به تقسیم عملی لیبی و عراق، "تامزد" بعدی برای تکه پاره شدن ایران خواهد بود؟

آیا جنگ شیعه و سنی که هدف دستکم یک دهه متحدان آمریکا در خاور میانه، مثل عربستان و اردن، بوده است بسود منافع و مصالح ملی دراز مدت ایران است؟

آیا گذار به دموکراسی در سوریه، و بقیه خاور میانه از جمله ایران، بهتر است از دهانه تفنگ باشد، آنهم تفنگی که رژیم‌های مرتجع مثل عربستان در اختیار تروریست‌های سوریه قرار داده و میدهند، و یا از طریق وفاق ملی در داخل کشور بدون دخالت خارجی؟

آیا هدف واقعی و نهایی عربستان، قطر، اردن، ترکیه و متحدان غربی آنها، بخصوص آمریکا، از دخالت در سوریه، ایران نیست؟

اگر پاسخ سوال قبلی مثبت است، چاره چیست؟

آیا اسرائیل از خون ریزی هر چه بیشتر در سوریه سود نمی‌برد؟ آیا به سود اسرائیل نیست که جنگ در سوریه تا مدت‌ها ادامه داشته، بطوری که مساله سرزمین‌های سوریه که در اشغال اسرائیل هستند، یعنی بلندی‌های جولان، بفراموشی سپرده شود؟

همه ما روزی از صحنه خارج خواهیم شد. جمهوری اسلامی نیز با نظامی بهتر جایگزین خواهد شد. ولی آنچه که باید از آن محافظت شود، آنچه که باید به حیات با افتخار خود ادامه دهد، ایران است. عینک سیاه و زاویه تنگ "ما بر علیه جمهوری اسلامی" را در مورد بحران سوریه کنار گذاشته، به آینده ایران و رابطه سرنوشت آن با بقیه خاور میانه با دید ملی، روشن، و باز نگاه کنیم

دکتر محمد سهیمی، [استاد دانشگاه کالیفرنیا ی جنوبی](#) و سر دبیر وبسایت [اخبار ایران و گزارش‌های خاور میانه](#)، تحلیلگر مسائل ایران می‌باشد که مقاله‌های او در ۱۵ سال گذشته در بسیاری از نشریات و وبسایت‌های انگلیسی به چاپ رسیده است